

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۴، ش ۴ (پیاپی ۳۶)، زمستان ۱۴۰۲

صص: ۱۷۵-۱۳۵

شاپا: ۸۴۸۷-۲۲۵۱

بررسی متنی تحلیل سوره قیامت بر اساس فرانقش بینافردی نظریه‌ی نقش‌گرای نظام مند هلیدی

یوسف نظری

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

دکتر آمنه زارع (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

دکتر اسماعیل جدیدی

استادیار گروه زبان‌های خارجی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

چکیده

این مقاله با هدف بررسی متنی تحلیل سوره قیامت بر اساس فرانقش بینافردی نظریه‌ی نقش‌گرای نظام مند هلیدی انجام شد. رویکرد نقش‌گرای هلیدی یکی از مهمترین دیدگاه‌هایی است که تاکنون بر اساس آن پژوهش‌های فراوانی در قرآن صورت گرفته است. رویکرد نقش‌گرای هلیدی ابزاری برای انتقال معانی و برقراری ارتباط در جامعه است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در چارچوب دستور نقش‌گرای هالییدی، به مطالعه‌ی نحوه و چگونگی تبادل معنا بر اساس رویکرد نقش‌گرای بینافردی در گفتگوهای متناوب موجود در سوره قیامت می‌پردازد. نگارش حاضر سوره قیامت از جزء بیست نهم قرآن که بالغ بر ۴۰ آیه و ۶۸ بند است را بر اساس این رویکرد مورد تحلیل قرار داده است. نتایج این تحلیل بیانگر آن است که در فرانقش بینافردی که وجهیت در این نظریه بخش مهمی از ساختار وجهی را به خود اختصاص می‌دهد، نشان می‌دهد که غالب بندهای این سوره، انتقال پیام با قطعیت از سوی خداوند متعال به مخاطبان (بشر) به صورت ارائه اطلاعات در ساختار وجهیت خبری بوده و گوینده مسئولیت پیام را می‌پذیرد. البته نمونه‌های از بند مانند امری، پرسشی و قسم در این جزء وجود دارد که از بسامد کمتری برخوردار است. در این سوره، از نظر زمان داری، زمان فرازمان و قطبیت مثبت دارای بیشترین بسامد هستند.

واژگان کلیدی: رویکرد نقش‌گرای هلیدی، فرانقش بینافردی، قطبیت

Email: nfs86k@gmail.com

a.zare@miau.ac.ir

esmaeil.jadidi@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

۱- مقدمه

نسخه‌ی فطرت و ذات انسان‌ها که از سوی خداوند متعال در وجودشان نهاده شده است، گرایش بسوی اجتماع و جامعه‌پذیری دارد. هیچ انسانی بطور عام تمایل به زندگی فردی و عدم داشتن ارتباط با دیگران نداشته و نخواهد داشت غیر از این اگر باشد، نشان از بیماری روحی و روانی وی دارد. تمام کارهای که این انسان سالم انجام می‌دهد بر پایه‌ی همگرایی وی است و دوست دارد با همفکری و هم‌اندیشی با دیگر هم‌نوعان خود به هدف و اهداف خود و در سطح کلان به جامعه خود برسد. مسلماً یکی از ابزار کهن ارتباط و این هم‌اندیشی گفتار است. در حقیقت گفتار پیوند دهنده‌ی دو شخص بعنوان گوینده و شنونده و یا متکلم و مخاطب است. داشتن ارتباط از طریق گفتار بر پایه میزان آشنایی و درجه صمیمیت و داشتن پایه‌های اجتماعی با همدیگر است. مثلاً داشتن تشابهات فرهنگی، شغلی، قومی، هم‌پایگی در اندیشه و تفکر و حتی زبان مشترک و موارد دیگر که مجال بحث درباره آن‌ها اینجا نیست، از جمله آن موارد است. وجود تضاد و تقابل یعنی عدم ارتباط است. پس نقشی بنام بینا فردی اتفاق نخواهد افتاد. در این میان نقش بینا فردی از اهمیت خاصی برخوردار است. فرانقش بینا فردی نشان دهنده‌ی نقش مشارکتی زبان، در داشتن یک ارتباط است. ارتباطی که منجر به انجام کاری می‌گردد و عاملی است که به کمک زبان فرد در یک موقعیت خاص قرار می‌گیرد. و ضمن اینکه دیدگاه و نظرات خویش را در یک مورد خاص به شخص مخاطب می‌رساند و القاء می‌کند و می‌خواهد این دیدگاه‌اش منجر به تاثیر گذاری بر شخص مخاطب گردد تا از این روند به هدف خود برسد که می‌توان گفت که در یک ارتباط گفتاری در اکثر اوقات این گفتارهای دوسویه‌ای برای رسیدن به هدفی شکل می‌گیرد و این نشان از نیازهای بشر به این تعاملات است.

در این رابطه‌ی گفتاری در هر موقعیت ارتباطی نقش‌هایی مانند اطلاع رسانی، اطلاع‌گیری، پاسخ‌گویی و مانند این‌ها رقم می‌خورد. در هر کدام از این نقش‌های ارتباطی از زبان برای تعامل اجتماعی با دیگر افراد و حفظ این تعامل، درک و عدم پذیرش گفتار دیگران استفاده می‌کنیم.

خداوند برای رسیدن به اهداف خود که همانا رسیدن به فلاح و رستگاری بشر است، در نزول قرآن و تربیت بشر دارای هدفی خاص و بس سترگ است که این هدف و اهداف در جهانبینی خاصی نهفته است که شناخت این جهانبینی برای هر شخص عامی امکان‌پذیر نیست. برای اینکه خداوند، این جهانبینی (universal) خاص خود را برای بشر تبیین کند، سعی کرده است که قرآن را با ساختاری متفاوت ارائه دهد. می‌توان گفت این ساختار، ترکیبی از زبان‌های مختلف که به تناسب مخاطبانش و همچنین مقدار فهم و درک و

علم آنان، فرهنگ آنان، اهداف و مقاصدی که از خواندن آن دارند و نوع مفاهیم و آموزه‌ها و موازی با جهان‌بینی الهی به نحو شگفت‌آوری بکار گرفته شده است. هدف قرآن بطور اخص روشنگری و هدایت بشر برای رسیدن به سر منزل مقصود است که این می‌تواند در ارتباطات فردی و اجتماعی، اخلاقی، مادی، معنوی، نوع تفکر و اندیشه نمود بارز و عینی داشته باشد. برای رسیدن به این مقصود سبک‌های ساختاری مختلف و سبک‌های گفتاری متمایز از نمونه‌های اعجاز قرآن است که در ادامه قصد بر آن است که سوره مبارکه قیامت که یکی از سوره‌های جزء بیست نهم قرآن کریم است را از زاویه فرانقش بینا فردی از نظریه نقش‌گرای هیلیدی در موضوع بررسی فرانقش بینافردی مورد کنکاش قرار داده و به پرسش‌های احتمالی برای هر قاری، متفکر و عالم به علوم قرآنی پاسخ داده شود.

برای بحث و بررسی پیرامون شناخت قرآن مسلماً باید تمام جنبه‌های قرآنی با توجه به اینکه این کتاب نازل شده از سوی باری تعالی است و گوینده آن یک فرد عادی نیست و مفاهیم قرآنی آن را می‌توان با خواندن درست و بررسی واژه‌ها و معانی واژه‌ها و تا رسیدن به هدف و اهداف خداوند در باب استفاده از این واژه‌ها و اصطلاحات و آیه‌ها و کشف مفاهیم آن‌ها که این خود کاری بس سخت و همراه با مشکلاتی است را دریافت کرد. چه که اگر این مفاهیم به درستی تبیین و مشخص نگردند ممکن است باعث برآورد اشتباه از این مفاهیم و گمراهی همه انسان‌های خواهد شد که درک عمیق‌تر از آن و محتوای آن ندارند. فلذا علوم زیادی بخصوص علم زبان شناختی می‌تواند در رسیدن به اهداف متعالی از نزول این آیات بطور وافر کمک کننده باشد. زبان‌شناسی بررسی دقیق و علمی همه زبان‌ها است که سعی می‌کند نحوه‌ی شکل‌گیری زبان را در بین انسان‌ها از طفولیت تا بزرگسالی تبیین کند. نگاه این زبان بر قواعد دستوری زبان‌ها نیست بلکه این علم می‌خواهد به توصیف و توزیع زبان بپردازد. و مشخصاً این تعریف می‌تواند زمینه‌های اشتراکی با دیگر علوم داشته باشد. زبان‌شناسی می‌تواند با توجه به کاربرد آن در شناخت مفاهیم قرآنی و اعجاز‌های آن در استفاده از ساختارها و گونه‌های دیگر مثل برقراری ارتباطات و علل جذبه قرآن کریم و موارد دیگر فوق‌العاده مفید و مثمر و ثمر باشد. چه که هدف زبان‌شناسی همین اصل است.

این مقاله سعی می‌کند در باب روشنگری و تبیین شناخت از قرآن به سه پرسش اصلی پاسخگو باشد:

- چرا وجه خبری، وجه غالب در میان وجوه دیگر در سوره قیامت است؟
- چرا زمان حال، زمان غالب در میان زمان‌های دیگر در سوره قیامت است؟
- چرا قطبیت مثبت بیشترین بسامد را نسبت به قطبیت منفی دارد؟

۱-۱- پیشینه‌ی پژوهش

در مورد مطالعات انجام شده غیر از زبان فارسی در مورد فرانش‌های هلیدی بر اساس چار چوب نظری دستور نظام مند نقش گرای هلیدی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. (Ning, ۲۰۰۸: ۱۶)، کاربرد دستور نقش گرا در پژوهش‌های زبانی مورد بررسی و کنکاش قرار داده است. وی با بررسی تحلیل یک متن نمونه، از منظر دستور نقش گرای نظام مند نحوه‌ی بکارگیری از این دستور را در آموزش زبان مشخص کرده و به این نتیجه رسیده است که دانش صریح و نظام مند در این مورد کاملاً در آموزش زبان موثر است. (Butt, ۲۰۰۲: ۴۰)، دستور نقش گرای نظام مند را در آموزش زبان مورد بررسی قرار داده‌اند. از دیدگاه آموزشی، زبان فقط کلمات و ساختار نیست، بلکه به فرایند شکل دهی معنا و قرار گرفتن بخش‌های معنادار کنار هم به گونه‌ای که پیوستگی معنایی داشته باشند و همه‌ی معنا داری به نام متنی که زبان را تشکیل داده اطلاق می‌گردد. آنان به این نتیجه رسیده‌اند که آگاهی داشتن نسبت به دستور نقش گرای نظام مند هالییدی برای اساتید زبان دارای ارزش فراوانی است. اول اینکه توصیف زبان از دیدگاه فرانش تجربی این امکان را برای معلمان فراهم می‌آورد تا به روشنی و به گونه‌ای نظام مند دانش آموزان را با گزینه‌های در دسترس برای ساخت معنا درباره تجارب انسان در ساختار بند آشنا کنند. دوم اینکه با استفاده از فرانش بینا فردی، دانش آموزان از کاربرد دستور برای تبادل معنا با دیگر دانش آموزان مطالبی بر اندوخته‌ی علمی خود می‌افزایند. سوم، با اطلاع از فرانش متنی، به ویژه این که چگونه الگوهای آغازگر (theme) و پایان بخش (rheme) امکان ساختمان بندی‌های مختلف را در بافت‌های گوناگون مهیا می‌سازد، و به دانش آموزان در ساختار بندی دست نوشته‌هایشان به شیوه‌ای کارآمد و موثر کمکی وافر می‌کند. (Achugar & Colombi, ۲۰۰۸: ۱۱۹)، بر این اعتقاد دارند که زبان شناسی نقش گرای نظام مند نظریه‌ای جامع‌شناختی درباره زبان است که به محققان این توانایی را می‌دهد که با ساختارها، ابزار و بینشی منحصر به فرد در حوزه یادگیری زبان دوم را مطالعه کنند. همچنین، این شیوه به طور اخص برای مطالعه طولی در زمینه رشد زبان دوم مناسب است. آنان یادگیری زبان اسپانیایی را به عنوان زبان دوم در ایالات متحده از منظر زبان شناسی نقش گرای نظام مند به شکل طولی مورد بررسی و کنکاش قرار داده‌اند. (Colombi, ۲۰۰۹: ۴۳)، با نگاه تاکیدگونه بر گونه‌های معنا سازی در گفتمان، توانش‌های زبان شناسی نقش گرای نظام مند را در برنامه ریزی درسی برای زبان اسپانیایی به منزله زبان مورد بررسی قرار داده است. (Aronof & Miller, ۲۰۰۰: ۲۱۵)، نظم را از دیدگاه فرانش تجربی دستور نقش

گرای نظام مند مورد بررسی تحلیل قرار داده است. (Yung & Harrison, ۲۰۰۴: ۱۶۳)، به دستور نقش گرای نظام مند و تحلیل گفتمان انتقادی نگاه ویژه ای داشته اند.

(Yang, ۲۰۱۷: ۱۱۹)، به بررسی فرانقش بینا فردی در سخنرانی ها اوباما پرداخته و در بررسی های خود بر نقش بینا فردی، و نظام وجه و وجه نمایی پرداخته است بدینگونه نتیجه گرفته است که بکارگیری فاعل جمع به جای فاعل اول شخص مفرد در سخنرانی ها ارجحیت داشته است.

(رضا خانی، ۱۳۸۵: ۴۵)، در رساله کارشناسی ارشد خود به بررسی مجموعه فارسی بیاموزیم (آموزش زبان فارسی) از منظر فرانقش بینا فردی هلیدی بر اساس چار چوب نظری دستور نظام مند نقش گرای هلیدی را بررسی کرده و ابراز می دارد که ساخت خبری در بخش بررسی شده ساخت غالب است و همچنین بیان می کند که مجموعه فوق در آموزش گونه‌ی گفتاری زبان هم پای گونه‌ی نوشتاری و نیز در استفاده از روش آموزشی ارتباطی چندان موفق نبوده است.

(شاهرخ شهرکی، ۱۳۸۵: ۶۶)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع بررسی شعر کودک از منظر زبان شناسی نقش گرای هلیدی ضمن پرداختن به این موضوع به نتایج ذیل رسیده است که فرایندهای مادی و ذهنی در این اشعار بیشتر به چشم می آیند و جملات این منظومه نیز دارای وجه خبری هستند.

(اوسط ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۳۳۱)، گونه‌های از سجع، تضاد، تشبیه، استعاره و کنایه را ضمن استخراج از نهج البلاغه به عظمت این اثر، درباره استناد به فرمایش تنی چند از بزرگان را مورد تاکید قرار داده است.

(نبوی و مهاجر، ۱۳۹۳: ۴۷)، نویسنده در کتاب خود اشعار را براساس نظریه هالیدی مورد بررسی قرار داده و پس از بررسی نقش بینا فردی و متنی شعر، منتج به این نتیجه شده است که عناصر شعری صرفاً از نوع گفتاری نیستند بلکه عناصر گفتاری، گفتمانی - رفتاری هستند.

(Simpson, ۲۰۰۴: ۹۸)، نویسنده در کتاب خود بیان می کند که گذرابی (transitivity)، گزینش نظام مند را شکل می دهد. گزینشی که برپایه‌ی آن انگیزش‌های گوینده و نویسنده، از میان امکانات نظام زبان شکل یافته است و می تواند به عنوان ابزاری ارزشمند، جهت تحلیل متون استفاده گردد.

(Morley, ۲۰۰۰: ۱۴۹)، در تشریح کتاب نحو در دستور نقش گرای هلیدی ابراز می دارد که این کتاب به تئوری میزان و مقوله نظر دارد و هدف عمده‌ی آن ارائه ی

چارچوبی نحوی- توصیفی است اما به لحاظ کلی گونه‌ای نقش گرای معنای آن مورد نظر است.

(Kress, ۱۹۷۸: ۳۰)، هلیدی در استفاده از برخی معانی اصلی نظریه خود، یعنی سیستم یا نظام به عنوان مجموعه‌ای از گونه‌های ممکن در بافتی خاص، تحت تاثیر فرث قرار گرفته است.

۱-۲- چارچوب نظری

از میان سه فرانقش دستور نقش گرا هلیدی، فرانقش بینا فردی از جایگاه و اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. چون که این فرانقش به بحث تعامل که اساس الگوهای رفتاری و کرداری یک جامعه انسانی را تشکیل می‌دهد می‌پردازد. در جوامع پیشین انسانی یک تبادل ارتباطی بعد از زبان، تصویر گونه‌های بوده است که بر سنگ‌ها و صخره‌ها حکاکی شده بودند. و در جوامع امروزی با توجه به پیشرفت علوم و فنون یک رابطه اجتماعی می‌تواند به غیر از زبان گفتاری و زبان نوشتاری که می‌تواند شامل رسانه‌های نوشتاری به مانند روزنامه‌ها، مجلات، کتاب و ... باشد و همچنین می‌تواند رسانه‌های الکترونیکی به مانند گوشی، لب تاب، تبلت و مواردی از این قبیل باشد. در هر صورت هدف، استفاده از زبان بعنوان اهرم مهم و اولین و رسانه‌های دیگر بعنوان اهرم دوم، همانا حفظ و برقراری ارتباط و روابط اجتماعی است. این تعامل اجتماعی از آن‌جا که فطرت و ذات و روحیه بشر بر پایه اجتماعی بودن شکل گرفته است و تنها بودن و مجزا زندگی کردن برای انسان معنا و مفهومی ندارد می‌تواند اوج رفتار منتج به تعامل با هم نوع دیگری باشد. چه که این تعامل بشری در رفتار با حیوانات نیز می‌تواند مزید بر همین حس اجتماعی بودن و داشتن ارتباط باشد به همین دلیل است که فرانقش بینا فردی از اهمیت وافر نسبت به فرانقش‌های دیگر برخوردار است. پس فرانقش بینا فردی: به برقراری، استمرار، تثبیت و تنظیم روابط اجتماعی مربوط می‌شود و تعامل افراد درگیر در ارتباط زبانی را مد نظر قرار می‌دهد.

بند در فرنقش بینا فردی بند بمانند تبادل معنی می‌شود به عبارتی بند از ارتباط گوینده و نویسنده یا شنونده یا خواننده شکل می‌گیرد. در این ارتباط کلامی هر یک نقشی را به عهده می‌گیرند. جملات ساده هر کدام، یک بند محسوب می‌شود. جمله‌هایی که افعال آن‌ها محذوف بوده اند با احتساب هر فعل یک بند به بندهای قبلی افزوده می‌شود. در جملات مرکب به ازای هر جمله واره، فعل و در نهایت یک بند در نظر گرفته می‌شود. هر منادا در حکم یک بند است. جملات معترضیه نیز یک بند محسوب می‌شود. اساسی ترین اهداف در یک ارتباط کلامی در چهار بند خلاصه می‌شود: دادن و گرفتن اطلاعات

(Giving/demanding information) (خبر و پرسش) و دادن و گرفتن کالا و خدمات (پیشنهاد و امر). همانطور که گفته شد، بند مظهر و نماد تعامل گوینده، نویسنده یا مخاطب است. بغیر از این در این تعامل نگرش‌ها، ارزیابی‌ها، قضاوت‌ها، انتظارات، خواسته‌ها، آرزوها و موارد دیگری را به همراه مقوله‌ی وجه و متغیرهای آن وجود دارد.

الف- فاعل: فاعل همان نهاد است که به خاطر برگزیدن یکی از نقش‌های اصلی بند که مسولیت پذیری (responsibility) بند است در ساختار وجهی بسیار مهم است. علت انتخاب واژه‌ی فاعل تکیه بر نقش مسولیت پذیری آن است. فاعل بند می‌تواند متکلم، مخاطب و غایب باشد.

ب- قطبیت: در حقیقت همان مثبت یا منفی بودن بندها است اگر چه بنظر می‌رسد جملات مثبت حدوداً ده برابر جملات منفی تناوب (usuality) دارند؛ البته اشتباه است که گمان کنیم که حالت مثبت به سادگی به معنای نبود حالت منفی است. این بدان معنی است که انتخاب حالت مثبت دقیقاً به اندازه انتخاب حالت منفی دارای ماهیت واقعی و معنا دار است.

ج- وجهیت: بیان می‌دارد که بند در چه بازه‌ای از التزام و احتمال (probablity) قرار دارد. برای نمونه در جملات خبری، معنای دو قطب مثبت و منفی به ترتیب اظهار قطعیت و حتمیت در اثبات کردن و انکار کردن هستند. این در حالی است که میان این دو قطب، دو گونه از اشکال بلاتکلیفی و نا معین بودن نیز وجود دارند که عبارتند از: الف) درجه میانی احتمال، همچون قطعاً، احتمالاً، شاید. ب) درجه‌های میانی تناوب، همچون همیشه، غالباً و گهگاه.

د- وجه (mood): به مجموع فاعل و جز خود ایستا (عنصر صرفی) اطلاق می‌شود. فاعل عنصری است که اولاً: از آن گزارشی به مخاطب داده می‌شود و ثانیاً: درستی یا نادرستی آن گزارش در گرو همین عنصر است؛ به بیان دیگر گزارش طرح شده در هر جمله با ارجاع به همین عنصر سنجیده می‌شود و بر مبنای آن، تصدیق یا تکذیب می‌گردد. عنصر خود ایستای فعل عنصری است که گزاره را محدود و متناهی می‌کند و آن را از حالت انتزاعی در می‌آورد. این عنصر کارکردهای پیش گفته را از سه طریق زمان نمایی (temporality)، وجه نمایی و قطبیت ایفا می‌کند.

ه- وجه نمایی (modality): در رویکردهای دیگر (به خصوص رویکردهای زایشی) ترجمه ثابتی برای اصطلاح در زبان فارسی ارایه نگردیده است و بیشتر آن را مقوله وجه، وجهیت و غیره ترجمه کرده‌اند. صرف نظر از درستی یا نادرستی ترجمه‌ی این اصطلاح باید متذکر شد که وجه نمایی نیز در رویکرد هلیدی معنای دیگری دارد و این همان نگرش گوینده

راجع به کل بند است که با افزوده‌های وجهی و گاهی با افعال وجهی خود را نمایان می‌کند. به بیان دیگر با توجه به وجه نمایی، وجه بند به نمایش گذاشته می‌شود.

۱-۳- عنصر صرفی

عنصر صرفی قسمتی از گروه فعلی است که نقش آن محدود سازی و تعیین کردن گزاره باشد. یعنی عنصر صرفی مفهوم و گزاره‌ای بند را با بافت واقعی و عینی آن مربوط می‌سازد، این ارتباط با بافت واقعی از دو راه ارجاع به زمان گفتگو کردن مانند آیه ۱۵ سوره انسان: وَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآَنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا. و در گرداگرد آن‌ها ظرفهایی سیمین و قدحهایی بلورین می‌گردانند (پراز بهترین غذاها و نوشیدنی‌ها)، و یا ارجاع به دیدگاه و نظر گوینده، مانند آیه چهارم سوره نوح: يغفر لكم من ذنوبكم و يوخركم الى اجل مسمى. اگر چنین کنید خدا گناهانتان را می‌آمرزد و تا زمان مشخص شما را عمر می‌دهد.

این امکان وجود دارد که مورد اول زمان دستوری و مورد دوم وضعیت کیفی باشد. زمان دستوری می‌تواند زمان‌هایی مثل زمان آینده، حال، گذشته و فرازمان باشد. بندهای فرازمان که همان بندهای اسمیه هستند با توجه به مفهوم و نوع بکارگیری آن‌ها در یک گفتگو از نقش ارتباطی بالایی برخوردار هستند که در قرآن همانطور که در جداول مربوطه در صفحات پیش رو آمده است، از میزان بالایی از بسامد برخوردار است. پس بنابر همین استفاده وافر باید نقش ویژه‌ای در فرانش بینا فردی برای آن در نظر گرفت شود. بند های اسمیه از دو بخش مبتدا و خبر و گروه حرف اضافه تشکیل شده است. خبر در جمله اسمیه می‌تواند اسم یا شبه جمله باشد. با توجه به اینکه در زبان عربی وجه نمایی، زمان و قطبیت با فعل بیان می‌گردد، پس ساخت وجهی در این بندها چگونه می‌تواند باشد؟ این فعل است که دلالت بر وقوع کار و استمرار آن دارد درحالیکه در بندهای اسمیه با توجه به نبود فعل عملاً این وقوع وجود ندارد. اما در صورتی که خبرش اسم باشد می‌تواند دلالت بر وقوع داشته باشد. این بند در این صورت خود ایستا و دارای وجه خبری و قطبیت مثبت و منفی است، اما در ظاهر زماندار نیست. مانند بند سوم آیه یک سوره الملک «هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۱-۴- مشخصه سوره قیامت

سوره قیامت از جمله سوره‌های است که در مکه نازل شده و دارای چهل آیه است و به مانند برخی از سوره‌ها نام این سوره از آیه اول آن برگرفته شده است. در این سوره که خداوند کریم و بخشنده کاملاً به مشخصه‌های روز قیامت اشاره می‌کند می‌توان به کلید واژه‌های مانند: باز آفرینی، عدم ملجا و پناه‌گاه، اطلاع از گذشته، عدم عجله در قرائت قرآن،

فانی بودن این دنیا، شکستن کمر، نبود نجات دهنده، استحقاق کافران و عدم بیهودگی در آفرینش اشاره کرد که هر کدام به نوبه‌ی خود از جایگاه و اهمیت وافر در بازشناسی کافران، روز قیامت، ویژگی‌های قیامت و شناخت دنیای مادی برخوردار است. آنچنان است که عدم باورپذیری کافران در بازآفرینی انسان در آیه‌های یک تا چهارم، و نبود ملجا و پناه‌گاهی برای آن‌ها در آیه‌های پنجم تا دوازدهم، اطلاع و باخبر شدن از کارکرد ها و گفتارها در زمان حیات در روز قیامت در آیه‌های سیزدهم تا پانزدهم، تعجیل در قرائت قرآن کریم از سوی پیامبر (ص) در آیات شانزدهم تا نوزدهم، فانی و زود گذر بودن دنیای مادی در آیات بیستم تا بیست یکم، خمودگی و شکسته شدن پشت کافران در روز قیامت در آیات بیست دوم تا بیست پنجم، نبود ناجی و همراه در روز قیامت در آیات بیست ششم تا سیم، عدم شایستگی کافران در خواندن نماز و تصدیق روز قیامت و رسولش در آیات سی و یکم تا سی و پنجم و در نهایت اشاره به هدفمند آفریدن انسان در آیات سی و ششم تا چهلیم از مصادیق عینی این سوره است که می‌توان به آن اشاره کرد.

۱-۵- بررسی کل پیکره سوره قیامت

لَا أَقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ (۱) «سوگند به روز قیامت»
وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲) «و سوگند به (نفس لوّامه و) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز حق است)»
أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (۳) «آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد؟!»

شماره بند: ۱		أَيَّحْسَبُ الْإِنْسَانُ	
افزوده وجه نما: أ	فاعل: الْإِنْسَانُ	زمان داری: حال، اظهاری (پرسشی)، مثبت	محمول: حسب
وجه		مانده	
شماره بند: ۲		أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ	
افزوده وجه نما: أ، لَّنْ	فاعل: نحن ضمیر مستتر	زمان داری: آینده، اظهاری (پرسشی)، منفی	محمول: جُمَعَ متمم: عِظَامَهُ
وجه		مانده	

شماره بند: ۱				وَلَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ	
پیوند ساختاری:	فاعل: انا	زمان داری: حال،	افزوده وجه	محمول:	افزوده حاشیه ای:
	مستتر	اظهاری (قسم)، مثبت	نما: لَا	قُسْمُ	بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ
وجه			مانده		

شماره بند: ۱				وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ	
پیوند ساختاری: و	فاعل: انا	زمان داری: حال،	افزوده وجه	محمول: ا	افزوده حاشیه ای:
	مستتر	اظهاری (قسم)، مثبت	نما: لَا	قُسْمُ	بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ
وجه			مانده		

شماره بند: ۱				بَلَى قَادِرِينَ	
افزوده وجه نما: بَلَى		فاعل: نحن	زمان داری:	محمول:	
		ضمیر مستتر	فرا زمان، خبری، مثبت	قَادِرِينَ	
وجه			مانده		
شماره بند: ۲					
افزوده حاشیه ای:	افزوده عطفی:	فاعل: عَذَابٌ أَلِيمٌ	زمان داری:	محمول:	
عَلَى	أَنْ	حال، خبری، مثبت	سَوَّى		
مانده			وجه	مانده	

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵) « (انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند! »

شماره بند: ۱			بَلْ يُرِيدُ		
افزوده عطفی: بَلْ			فاعل: هو	زمان داری:	محمول: اری
			مستتر	حال، خبری، مثبت	
مانده			وجه		
شماره بند: ۲			الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ		
فاعل: الْإِنْسَانُ			افزوده عطفی:	زمان داری:	محمول: فُجِرَ
			ل	حال، خبری، مثبت	متمم: أَمَامَهُ
وجه			مانده	وجه	مانده

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ (۶) « (از این رو) می‌پرسد: «قیامت کی خواهد بود»

شماره بند: ۱		يَسْأَلُ	
فاعل: هو مستتر		زمان داری: حال، خبری، مثبت	
وجه		محمول: محذوف	
مانده		مانده	
شماره بند: ۲		أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ	
افزوده حاشیه		فاعل: يَوْمُ الْقِيَامَةِ	
ای: أَيَّانَ		زمان داری: فرا زمان، اظهاری (پرسشی)، مثبت	
مانده		وجه	
مانده		مانده	

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷) « (بگو): در آن هنگام که چشمها از شدت وحشت به گردش درآید،»

شماره بند: ۱	فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ		
افزوده عطفی: ف	افزوده حاشیه ای: اذا	فاعل: الْبَصَرُ	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت
مانده	وجه		مانده

وَ خَسَفَ الْقَمَرُ (۸) «و ماه بی‌نور گردد،»

وَحَسَفَ الْقَمَرُ			شماره بند: ۱
محمول: حَسَفَ	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	فاعل: الْقَمَرُ	پیوند ساختاری: و
مانده	وجه		

وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (۹) «و خورشید و ماه یک جا جمع شوند،»

وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ					شماره بند: ۱
محمول: جُمِعَ	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	فاعل: الْقَمَرُ	افزوده عطفی: و	فاعل: الشَّمْسُ	پیوند ساختاری: و مانده
مانده	وجه		مانده	وجه	

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ (۱۰) «آن روز انسان می‌گوید: «راه فرار کجاست؟!»

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ			شماره بند: ۱
افزوده حاشیه ای: يَوْمَئِذٍ	محمول: محذوف	زمان داری: حال، اظهاری (پرسشی)، مثبت	فاعل: الْإِنْسَانُ
مانده		وجه	
أَيْنَ الْمَفَرُّ			شماره بند: ۲
محمول: محذوف	زمان داری: فرازمان، اظهاری (پرسشی)، مثبت	فاعل: الْمَفَرُّ	افزوده حاشیه ای: أَيْنَ
مانده		وجه	مانده

کَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱) «هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد!»

کَلَّا			شماره بند: ۱
محمول: کَلَّا	زمان داری: فرازمان، خبری، منفی	فاعل: محذوف	
مانده	وجه		
لَا وَزَرَ			شماره بند: ۲
محمول: محذوف	زمان داری: فرازمان، خبری، منفی	فاعل: وَزَرَ	افزوده وجه نما: لا
مانده	وجه		

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۱۲) «آن روز قرارگاه نهایی تنها بسوی پروردگار تو است؛»

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ			شماره بند: ۱	
محمول: محذوف	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت	فاعل: الْمُسْتَقَرُّ	افزوده حاشیه ای: يَوْمَئِذٍ	افزوده حاشیه ای: إِلَى رَبِّكَ
مانده		وجه	مانده	

يُنَبِّأُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَ آخَرَ (۱۳) «و در آن روز انسان را از تمام کارهایی که از پیش یا پس فرستاده آگاه می‌کند.»

شماره بند: ۱			يُنَبِّأُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ		
فاعل: هو مستتر		زمان	محمول: نَبَّ	متمم: الْإِنْسَانَ	افزوده حاشیه‌ای: يَوْمَئِذٍ
وجه			مانده		
شماره بند: ۲		بِمَا قَدَّمَ			
افزوده حاشیه‌ای: بِمَا		فاعل: هو	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	محمول: قَدَّمَ	
مستتر		وجه			
مانده		مانده			
شماره بند: ۳		وَ آخَرَ			
پیوند ساختاری: و		فاعل: ضمیر مستتر هو		زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	
محمول: آخَرَ		وجه			
مانده		مانده			

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴) « بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است،»

شماره بند: ۱		بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ	
افزوده عطفی:	فاعل: الْإِنْسَانُ	زمان	محمول:
بَلِ	داری: فرا زمان، خبری، مثبت	بَصِيرَةٌ	افزوده حاشیه‌ای:
مانده	وجه	مانده	بَصِيرَةٌ

وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ (۱۵) « هر چند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد!»

شماره بند: ۱		وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرُهُ		
پیوند ساختاری: و	افزوده وجه	فاعل: هو	زمان داری:	محمول: لَقِيَ
	نما: لَوْ	مستتر	گذشته، خبری، مثبت	متمم: مَعَاذِيرُهُ
وجه		مانده		

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶) «زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن [قرآن] حرکت مده.»

شماره بند: ۱					لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ	
افزوده	متمم:	محمول:	افزوده وجه نما: لَا	زمان داری: حال،	فاعل: انت	
حاشیه‌ای: به	لِسَانَكَ	تُحَرِّكُ		خبری، منفی	مستتر	
مانده			وجه			
شماره بند: ۲						
افزوده	محمول: عَجَلَ	زمان داری:	فاعل: انت مستتر	افزوده	عطفی: ل	
حاشیه‌ای: به		حال، خبری، مثبت		مانده	وجه	

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷) «چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست!»

شماره بند: ۱					إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ	
افزوده وجه	فاعل: جَمْعُهُ	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت	محمول: محذوف	پیوند ساختاری: و	افزوده حاشیه‌ای: قُرْآنَهُ	نما: إِنَّ
وجه			مانده			

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) «پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن!»

شماره بند: ۱		فَإِذَا قَرَأْنَاهُ	
افزوده	افزوده حاشیه	فاعل: نا	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت
عطفی: ف	ای: اذا		محمول: قَرَأَ
			متمم: هُ
مانده		وجه	
شماره بند: ۲		فَاتَّبَعَ قُرْآنَهُ	
افزوده	افزوده عطفی: ف	فاعل: نا	زمان داری: حال، اظهاری (امری)، مثبت
			محمول: قَرَأَ
			متمم: هُ
مانده		وجه	

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹) « سپس بیان و (توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست! »

شماره بند: ۱		ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ	
افزوده عطفی:	افزوده وجه	فاعل: بَيَانَهُ	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت
نما: إِنَّ	محمول:	محدوف	افزوده حاشیه ای: عَلَيْنَا
مانده	وجه	مانده	

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (۲۰) « چنین نیست که شما می‌پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید)؛ بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی‌قید و شرط را)! »

شماره بند: ۱		كَلَّا	
فاعل: محذوف		زمان داری: فرازمان، خبری، منفی	محمول: كَلَّا
وجه		مانده	
شماره بند: ۲		بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ	
افزوده عطفی: بل	فاعل: و ضمیر متصل	زمان داری: حال، خبری، مثبت	محمول: حُبُّ
مانده	وجه	مانده	

و تَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱) « و آخرت را رها می‌کنید! »

شماره بند: ۱		و تَذَرُونَ الْآخِرَةَ	
افزوده عطفی: و	فاعل: و ضمیر متصل	زمان داری: حال، خبری، مثبت	محمول: ذَرُّ
مانده	وجه	مانده	

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ (۲۲) « (آری) در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است، »

شماره بند: ۱		وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ	
فاعل: وَجُوهٌ	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت	محمول: نَاصِرَةٌ	افزوده حاشیه ای: يَوْمَئِذٍ
وجه		مانده	

إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۲۳) «و به پروردگارش می‌نگرد!»

شماره بند: ۱			إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ	
افزوده حاشیه‌ای:		فاعل: هو مستتر	زمان داری:	محمول: نَاظِرَةٌ
			فرازمان، خبری، مثبت	
مانده	وجه			مانده

و وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴) «و در آن روز صورتهایی عبوس و در هم کشیده است،»

شماره بند: ۱			و وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ	
افزوده عطفی: و		فاعل: وَجُوهٌ	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت	محمول: بَاسِرَةٌ
				افزوده حاشیه‌ای: يَوْمَئِذٍ
مانده	وجه			مانده

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۲۵) «زیرا می‌داند عذابی در پیش دارد که پشت را در هم

می‌شکند!»

شماره بند: ۱			تَظُنُّ	
فاعل: هی مستتر		زمان داری: حال، خبری، مثبت	محمول: ظُنُّ	
			مانده	
وجه			مانده	
شماره بند: ۲			أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ	
افزوده عطفی: أَنْ		فاعل: عذاب محذوف	زمان داری: حال، خبری، مثبت	محمول: فُعِلَ
			افزوده حاشیه‌ای: بِهَا	افزوده عطفی: ف
			افزوده حاشیه‌ای: فَاقِرَةٌ	متمم: اقِرَّةٌ
مانده	وجه			مانده

كَلاَّ إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (۲۶) «چنین نیست (که انسان می‌پندارد! او ایمان نمی‌آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد،»

شماره بند: ۱			كَلاَّ
فاعل: محذوف		زمان داری: فرازمان، خبری، منفی	محمول: كَلاَّ
وجه		مانده	
شماره بند: ۲			إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ
افزوده حاشیه‌ای: إِذَا	فاعل: هی مستتر	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	محمول: بَلَغَ متمم: التَّرَاقِيَ
مانده	وجه	مانده	

وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷) «و گفته شود: «آیا کسی هست که (این بیمار را از مرگ) نجات دهد؟!»

شماره بند: ۱		وَ قِيلَ	
پیوند ساختاری: و	فاعل: محذوف هی مستتر	زمان داری: گذشته،	محمول: قَالِ
		خبری، مثبت	
وجه		مانده	
شماره بند: ۲		مَنْ رَاقٍ	
فاعل: مَنْ	زمان داری: فرا زمان، اظهاری (پرسشی)، مثبت	محمول: رَاقٍ	
		وجه	
وجه		مانده	

وَ ظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸) «و به جدائی از دنیا یقین پیدا کند،»

شماره بند: ۱	وَ ظَنَّ		
افزوده عطفی: و	فاعل: محذوف هی مستتر	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	محمول: ظَنَّ
مانده	وجه		
شماره بند: ۲	أَنَّهُ الْفِرَاقُ		
افزوده وجه نما: أَنَّ	فاعل: هُ ضمیر متصل	زمان داری: فرازمان خبری، مثبت	محمول: الْفِرَاقُ
وجه	مانده		

وَ التَّتَفَّ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹) «و ساق پاها (از سختی جان دادن) به هم پیچد!»

شماره بند: ۱	وَ التَّتَفَّ السَّاقُ بِالسَّاقِ		
پیوند ساختاری: و	فاعل: السَّاقُ	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	محمول: التَّتَفَّ افزوده حاشیه‌ای: بالسَّاقِ
وجه	مانده		

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (۳۰) «(آری) در آن روز مسیر همه بسوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود!»

شماره بند: ۱	إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ		
افزوده حاشیه‌ای: إِلَى رَبِّكَ	افزوده حاشیه‌ای: يَوْمَئِذٍ	فاعل: الْمَسَاقُ	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت
محمول: محذوف	وجه		
مانده	مانده		

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى (۳۱) «(در آن روز گفته می‌شود): او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند.»

فَلَا صَدَّقَ				شماره بند: ۱
افزوده عطفی: ف	افزوده وجه نما: لَا	فاعل: هو مستتر	زمان‌داری: گذشته، خبری، منفی	محمول: صَدَّقَ
مانده	وجه			
وَلَا صَلَّى				شماره بند: ۲
پیوند ساختاری: و	افزوده وجه نما: لَا	فاعل: هو مستتر	زمان‌داری: گذشته، خبری، منفی	محمول: صَلَّى
مانده	وجه			

وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۳۲) « بلکه تکذیب کرد و روی‌گردان شد،»

وَلَكِنْ كَذَّبَ				شماره بند: ۱
پیوند ساختاری: و	افزوده وجه نما: لَكِنْ	فاعل: هو مستتر	زمان‌داری: گذشته، خبری، مثبت	محمول: كَذَّبَ
مانده	وجه			
وَتَوَلَّى				شماره بند: ۲
پیوند ساختاری: و	فاعل: هو مستتر	زمان‌داری: گذشته، خبری، مثبت	محمول: وَلَّى	
مانده	وجه			

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (۳۳) «سپس بسوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم برمی داشت!»

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ				شماره بند: ۱
افزوده عطفی: ثُمَّ	فاعل: هو مستتر	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	محمول: ذَهَبَ	افزوده حاشیه‌ای: إِلَى أَهْلِهِ
مانده	وجه			مانده
يَتَمَطَّى				شماره بند: ۲
فاعل: هو مستتر	زمان داری: حال، خبری، مثبت		محمول: مَطَّى	
وجه	مانده			

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ (۳۴) «(با این اعمال) عذاب الهی برای تو شایسته‌تر است، شایسته‌تر!»

شماره بند: ۱		أَوَّلَى لَكَ	
فاعل: عذاب (محذوف)	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت	محمول: أَوَّلَى	
وجه		مانده	
شماره بند: ۲		فَأَوَّلَى	
افزوده عطفی: ف	فاعل: عذاب (محذوف)	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت	محمول: أَوَّلَى
مانده	وجه	مانده	

ثُمَّ أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ (۳۵) «سپس عذاب الهی برای تو شایسته‌تر است، شایسته‌تر!»

شماره بند: ۱	ثُمَّ أَوَّلَىٰ لَكَ		
افزوده عطفی: ثُمَّ	فاعل: عذاب (محذوف)	زمان‌داری: فرازمان، خبری، مثبت	محمول: وُلَى افزوده حاشیه‌ای: لَكَ
مانده	وجه		
مانده			
شماره بند: ۲	فَأَوَّلَىٰ		
افزوده عطفی: ف	فاعل: عذاب (محذوف)	زمان‌داری: فرازمان، خبری، مثبت	محمول: وُلَى
مانده	وجه		
مانده			

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (۳۶) «آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟!»

شماره بند: ۱	أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ		
افزوده وجه نما: أ	فاعل: الْإِنْسَانُ	زمان‌داری: حال، اظهاری (پرسشی)، مثبت	محمول: حَسَبُ
وجه	مانده		
شماره بند: ۲	أَنْ يُتْرَكَ سُدًى		
افزوده عطفی: أَنْ	فاعل: هو مستتر	زمان‌داری: حال، اظهاری (پرسشی)، مثبت	محمول: تَرَكَ افزوده وجه نما: سُدًى
مانده	وجه		
مانده			

أَلَمْ يَكْ نُطْفَعُ مِنْ مَنِيِّ يُمْنِي (۳۷) « آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟! »

شماره بند: ۱			أَلَمْ يَكْ
افزوده وجه نما: أَ	فاعل: هو مستتر	زمان داری: حال، اظهاری (پرسشی)، منفی	محمول: لَمْ يَكْ
وجه		مانده	
شماره بند: ۲			نُطْفَعُ مِنْ مَنِيِّ
فاعل: هو مستتر	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت	محمول: نُطْفَعُ	افزوده حاشیه‌ای: مِنْ مَنِيِّ
وجه		مانده	
شماره بند: ۳			يُمْنِي
فاعل: هو مستتر	زمان داری: حال، خبری، مثبت	محمول: مَنِي	
وجه		مانده	

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (۳۸) «سپس بصورت خون بسته در آمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت.»

شماره بند: ۱			ثُمَّ كَانَ		
افزوده عطفی: ثُمَّ			فاعل: هو مستتر		
			زمان داری:		
			گذشته، خبری، مثبت		
مانده			محمول: كَانَ		
مانده			وجه		
شماره بند: ۲			عَلَقَةً		
فاعل: هو مستتر			زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت		
			محمول: عَلَقَةً		
وجه			مانده		
شماره بند: ۳			فَخَلَقَ		
افزوده عطفی: ف			فاعل: هو مستتر		
			زمان داری:		
			گذشته، خبری، مثبت		
مانده			محمول: خَلَقَ		
مانده			وجه		
شماره بند: ۴			فَسَوَّى		
افزوده عطفی: ف			فاعل: هو مستتر		
			زمان داری:		
			گذشته، خبری، مثبت		
مانده			محمول: سَوَّى		
مانده			وجه		

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى (۳۹) « و از او دو زوج مرد و زن آفرید!»

شماره بند: ۱							فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى		
افزوده عطفی: ف	فاعل: هو مستتر	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	محمول: جَعَلَ	افزوده حاشیه‌ای: مِنْهُ	متمم: الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ	پیوند ساختاری: و	متمم: الْأُنْثَى		
مانده	وجه	مانده					مانده		

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ (۴۰) «آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟!»

شماره بند: ۱		أَلَيْسَ ذَلِكَ	
افزوده وجه نما: أ	فاعل: ذَلِكَ	زمان داری: گذشته، اظهاری (پرسشی)، منفی)	محمول: لَيْسَ
وجه		مانده	
شماره بند: ۲		بِقَادِرٍ عَلَىٰ	
فاعل: لَكَ (محذوف)	زمان داری: فرا زمان، خبری، مثبت	افزوده عطفی: (ب)	محمول: افزوده قَادِر حاشیه‌ای: عَلَى
وجه		مانده	
شماره بند: ۳		أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ	
افزوده عطفی: أَنْ	فاعل: هو مستتر	زمان داری: حال، اظهاری (پرسشی)، منفی	محمول: متمم: الْمَوْتَى حَيٍّ
مانده	وجه	مانده	

۳- بحث و بررسی

خداوند کریم در بسیاری از سوره‌ها از روز محشر صحبت می‌کند و سعی می‌کند که انسان به خود آید و فراموش نکند که روزی بنام قیامت وجود دارد که باید حساب و کتاب پس بدهد. سوره قیامت تنها سوره‌ای است که کاملاً درباره روز قیامت صحبت می‌کند. آنجا است که خداوند متعال در اولین آیه آن به روز قیامت و نفس ملامت گر قسم می‌خورد. لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱) سوگند به روز قیامت، وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲) و سوگند به (نفس لَوَّامه و) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز حق است)! این قسم خوردن از سوی خداوند باری تعالی اوج حساسیت و اهمیت روز قیامت را می‌رساند. قسم خوردن خداوند دال بر سه چیز می‌تواند باشد. ۱. اهمیت روز قیامت ۲. دوست داشتن بشر و عاقبت به خیر شدن بشر. ۳. پایان این دنیای مادی و وارد شدن به دنیای دیگر. خداوند در این قسم خوردن می‌گوید که دنیای شما خیلی زودتر از آنچه که شما فکر می‌کنید پایان می‌یابد و مرگ شما را در بر می‌گیرد و به جهانی دیگر رجعت می‌کنید که آن دنیا خانه‌ی دایمی و پایدار شما است. پس دنیای آخرت خود را خراب نکنید. در آیات قرآن کریم، برخی از

صورت‌های روز قیامت مشخص شده است؛ همچون تردید ناپذیر بودن آن، بمانند آیه ۳ که اشاره به جمع‌آوری استخوان‌های انسان در روز قیامت دارد که برای بازخواست وی در آن روز احیاء می‌گردند. *أَيُحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ* (۳) «آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد؟» نزدیک بودن آن، که در آیات ۶ تا ۱۰ به زمان وقوع آن اشاره می‌کند. *يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ* (۶) «(از این رو) می‌پرسد: «قیامت کی خواهد بود؟» *فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ* (۷) «(بگو): در آن هنگام که چشمها از شدت وحشت به گردش درآید،» *وَ خَسَفَ الْقَمَرُ* (۸) «(و ماه بی‌نور گردد،» *وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ* (۹) «(و خورشید و ماه یک جا جمع شوند،» *يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَئِنَّ الْمَفِرَّ* (۱۰) «آن روز انسان می‌گوید: «راه فرار کجاست؟!»

در قرآن کریم، یقینی بودن واقعه قیامت با چنین تعبیرهایی یاد شده است: روزی یقینی و بر حق، تردیدناپذیر، آمدنی، واقع‌ای که دروغی در آن وجود ندارد، و روزی که خدای رحمان در عین رحمت بر بندگان، مردم را در آن روز جمع خواهد کرد. *وَ ظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ* (۲۸) «(و به جدائی از دنیا یقین پیدا کند،» *إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ* (۳۰) «(آری) در آن روز مسیر همه بسوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود!»

درباره توانمندی خداوند در آفرینش انسان و باز آفرینی وی پس از مرگ حتی بعد از گذشت زمان‌های متوالی و پوسیده شدن جسم انسان، در آیات ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ به وضوح صحبت شده است. *أَلَمْ يَكْ نُطْفِئْ مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِي* (۳۷)، «آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟، *ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى* (۳۸)، «سپس بصورت خون بسته در آمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت،» *فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى* (۳۹) «و از او دو زوج مرد و زن آفرید!»، *أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى* (۴۰) «آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟!»

چهره‌های انسان‌ها در قیامت، بسته به ایمان و عملشان، متفاوت خواهد بود: مؤمنان سپیدرو و کافران سیه‌رو. همانطور که در آیه ۲۴ همین سوره به صورت‌های کافران اشاره می‌کند که از شدت ناراحتی چهره‌های عبوس و درهم کشیده دارند. *وَ وُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ* (۲۴) «(و در آن روز صورتهایی عبوس و درهم کشیده است،» و در آیه ۲۲ همین سوره به شاداب بودن چهره‌ی مومنان در روز قیامت اشاره می‌کند که رنجی ندارند. *وَ وُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ* (۲۲) «(آری) در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است،»

۲-۱- تحلیل تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس فرانش بینا فردی در سوره قیامت

۲-۱-۱- بررسی ساختاری آیه ۳ سوره القیامت

أَيُحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (۳) آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او

را جمع نخواهیم کرد؟! این آیه از دو بند تشکیل شده است که برای تفسیر آن یک جدول طراحی شده است. این بند یک بند اظهاری مرکب است که بند اول یک بند فعلیه است که با حرف استفهام «أ» شروع شده و بند را به حالت پرسشی تبدیل کرده است و از نظر زمان داری «الْإِنْسَانُ» فاعل بند است و گزاره (محمول) آن «حَسَبَ» است. در بند دوم «أَلَنْ» حرف مشبه بالفعل است که «إِنَّ» مخفف از مثقله و «ل» حرف نصب و «ه» محذوف و اسم «ان» است. از نظر زمان داری بند آینده، خبری و با قطبیت منفی است و در نهایت «عِظَامُهُ» متمم بند محسوب می‌گردد. از این دو بند می‌توانیم به‌عنوان بند مرکب نام ببریم که فعل بند اول «يَحْسَبُ» به زمان حال است زیرا خداوند انسان را در همین زمان حال مورد خطاب قرار می‌دهد و سعی می‌کند که در بند دوم با یک سوال درباره توانایی خداوند در جمع کردن استخوان‌های خرد شده و مضمحل شده او در زمان بعد از مرگ که در آینده برای وی اتفاق می‌افتد وی را به تفکر و اندیشه وادارد. در دستور زبان عربی بندهای مرکب اگر فعل بند اول زمان حال باشد فعل بند دوم می‌تواند آینده باشد در صورتی که با یک حرف پیوند دهنده همراه گردند.

شماره بند: ۱		أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ	
افزوده وجه نما: أ	فاعل: الْإِنْسَانُ	زمان داری: حال، اظهاری (پرسشی)، مثبت	محمول: حسب
وجه		مانده	
شماره بند: ۲		أَلَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ	
افزوده وجه نما: أ، لَنْ	فاعل: نحن ضمیر مستتر	زمان داری: آینده، اظهاری (پرسشی)، منفی	محمول: متمم: عِظَامُهُ جَمَعَ
وجه		مانده	

۲-۱-۲- بررسی ساختاری آیه ۱۹ سوره القیامت

آیه ۱۹ همین سوره، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹) «سپس بیان و (توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست!» این آیه دارای یک بند است و بندی فرازمان می‌باشد. آنچه که در این بند قابل توضیح است، آمدن افزوده وجه نما «إِنَّ» است که یکی از حروف مشبه بالفعل می‌باشد و برای تاکید بر وقوع عمل آمده است. خداوند برای بیان علت وقوع عملی در قرآن کریم از بند های فرازمان موکد و غیر موکد استفاده می‌کند. «ان» یکی از حروف مشبهه بالفعل

است که بر روی بند فرازمان می‌آید و مبتدا را به عنوان اسم خود منصوب و خبر را به عنوان خبر خود مرفوع می‌سازد و سبب تأکید مفهوم جمله و محقق شدن اسناد میان اسم و خبر می‌شود.

شماره بند: ۱				ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ	
افزوده عطفی: ثُمَّ	افزوده وجه	فاعل: بَيَانَهُ	زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت	محمول: افزوده حاشیه‌ای: عَلَيْنَا	محذوف
مانده	وجه	مانده			

۲-۱-۳- بررسی ساختاری آیه ۳۳ سوره القیامت

آیه ۳۳ همین سوره، ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى «سپس بسوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانۀ قدم برمی‌داشت!» نیز بمانند آیه بررسی شده قبل داری دو بند است که خداوند به نحوه‌ی رفتار کافران اشاره می‌کند. در بند اول این آیه که یک حرف ربط پیوندی است بعنوان افزوده عطفی آمده است زیرا پیوندی معنای و همچنین ساختاری را با آیات ما قبل خود برقرار می‌کند، و فاعل بند اول و دوم ضمیر مستتر «هو» است که به سبب همین تقارن معنای و ساختاری با آیات قبل در این بند از تکرار جلوگیری شده است. گزاره ساز بند اول «ذهب» است، و در بند دوم «مطی» است در نهایت در بند اول «لِی أَهْلِهِ» جار و مجرور است که از آن به عنوان افزوده حاشیه‌ای صحبت شده است. از نظر زمان داری بند اول گذشته و بند دوم حال و از نظر وجهیت بند اول و دوم خبری و از نظر قطبیت هر دو بند مثبت هستند.

شماره بند: ۱		ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ	
افزوده عطفی: ثُمَّ	فاعل: هو مستتر	زمان داری: گذشته، خبری، مثبت	محمول: ذَهَبَ افزوده حاشیه‌ای: إِلَى أَهْلِهِ
مانده	وجه	مانده	
شماره بند: ۲		يَتَمَطَّى	
فاعل: هو مستتر	زمان داری: حال، خبری، مثبت	محمول: مَطَّى	
وجه		مانده	

۲-۱-۴- بررسی ساختاری آیه ۴۰ سوره القیامت

آیه ۴۰ همین سوره اَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ اَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ «آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟!» که درباره توانش خداوند در باب زنده کردن مردگان صحبت می‌کند از سه بند تشکیل شده است. بند اول با یک فعل ناقصه (لیس) شروع شده است. لَيْسَ به معنای سلب مضمون خبر از اسم در زمان حال است و امکان دارد به کمک قراین، نفی و سلب را در زمان ماضی یا مضارع بفهماند. به ترتیب؛ مانند: «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ» و «أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ». در این آیه اسم لَيْسَ، «العذاب» است و منظور، زمان آینده و روز قیامت است. پس «لیس» می‌تواند خبری درباره آینده هم بدهد. چنانکه در این آیه خبر از توانش خدا بر احیاء جسم مضمحل شده انسان در زمان های آینده می‌دهد. در این بند «لیس» فعل گذشته است در حالیکه افزوده وجه نمای(أ) آن را بصورت پرسشی درآورده است. این بند یک بند با قطبیت منفی است.

در بند دوم که یک بند فرازمان با وجه خبری است، در واقع بند تکمیل کننده، بند وجه پرسشی قبل است. دارای دو حرف جر است که اولین به اسم «قادر» متصل است که می‌تواند حرف پیوند دهنده‌ی دو بند باشد که از آن به‌عنوان افزوده عطفی نام برده شده است. حرف جر دوم «علی» به معنی (بر) یا (روی) که به مکان و جا اشاره می‌کند می‌توان از آن به عنوان ادات موقعیتی یاد شود. کلمه «قادر» بعنوان خبر بند که مبتدای آن کلمه «ذالک» در بند اول است، در جدول به-عنوان محمول آمده است. ترجمه کلی بند اینگونه می‌تواند باشد آیا کسی نیست که برآن قادر باشد مردگان را زنده کند؟ در زبان قرآن نوع دستور و چیدمان واژه‌ها به گونه‌ای است که برای درک مفهوم کلی آیه و یا یک بند، نیازمند شناخت این دستور است یعنی از دستور زبان عربی چندان تبعیت نمی‌کند اگر چه این خود همانطور که در سطور قبل گفته شد از زیبایی‌های قرآن و هنرمندانه بودن چیدمان بند و معجزه بودن آن است که هرکس نتواند عینیت آن را بنگارد و بر آن حتی اندیشه هم نکند. در بند سوم که ادامه بند اظهاری اول و دوم است. در واقع نکته اصلی مضمون بندهای اول و دوم است که همانا توانش خداوند در باب احیاء، خود نقطه اوج سخن یا اصل هدف در بیان ماسبق، در کل آیه است. خداوند سخنوری ماهر در کلام است. شروع گفتار از نقطه آغازین با یک ریتم بند خبری کوتاه یا یک بند پرسشی هشدار و در نهایت رساندن سخن با استفاده از حروفی که از آن به‌عنوان افزوده وجه نما آمده است به نقطه اوج سخن که خود دلالت بر اهمیت سخن و جایگاه سخن در هشدار و انداز انسان است. این کلام قادری است که بی‌هدف تقدیری برای مخلوقش متصور نیست.

شماره بند: ۱			أَلَيْسَ ذَلِكْ		
افزوده وجه نما: أ		فاعل: ذَلِكْ		زمان داری: گذشته، اظهاری (پرسشی)، منفی	
وجه		مانده			
شماره بند: ۲			بِقَادِرِ عَلِي		
فاعل: لِكْ (محذوف)		زمان داری: فرازمان، خبری، مثبت		افزوده عطفی: (ب) محمول: قَادِر	
وجه		مانده			
شماره بند: ۳			أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى		
افزوده عطفی: أَنْ		فاعل: هو مستتر		زمان داری: حال، اظهاری (پرسشی)، منفی	
مانده		وجه		مانده	

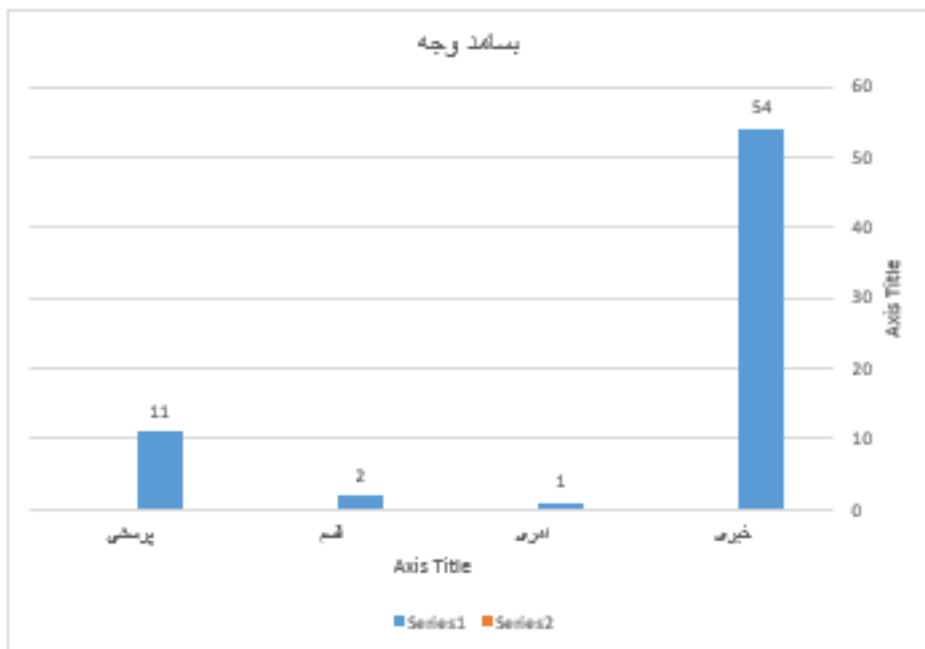
در این سوره وجه خبری با ۷۹/۴۱ بیشترین درصد و امری با ۰۱/۴۷ طبق روال گفتگوی خداوند کمترین بسامد را داراست، و همچنین قطبیت مثبت با ۸۳/۸۲ و زمان حال و گذشته با ۳۵/۲۹ دارای بیشترین بسامد هستند.

۲-۱-۵- بسامد انواع وجه در سوره القیامت

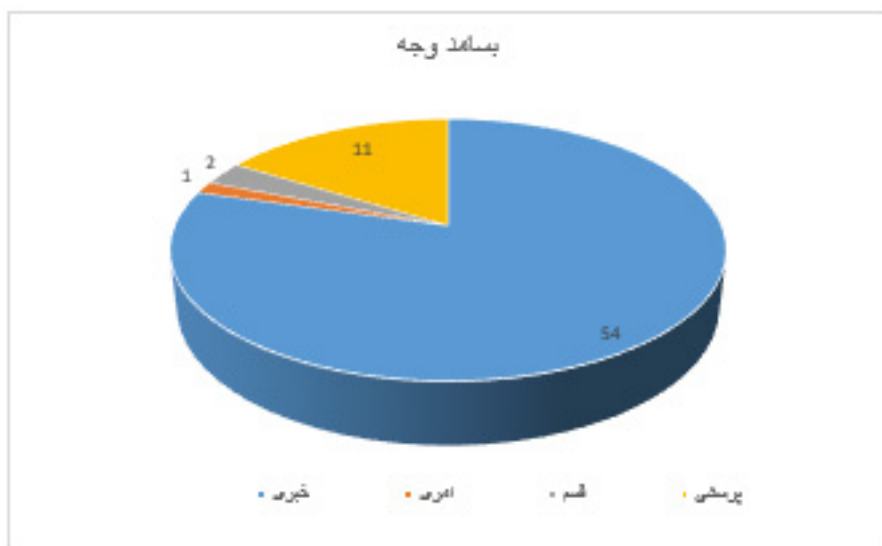
آیه ۱۹ همین سوره، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹).

جدول ۱. جدول بسامد انواع وجه در سوره القیامت

ردیف	نوع وجه		بسامد وجه در تمام بند ها	درصد بسامد وجه
۱	خبری		۵۴	۷۹/۴۱
۲	اظهاری	طلبی	۱۱	۱۶/۱۷
		پرسشی	۱	۰۱/۴۷
	غیر طلبی	امری	۲	۰۲/۹۴
مجموع		قسم	۶۸	٪۱۰۰



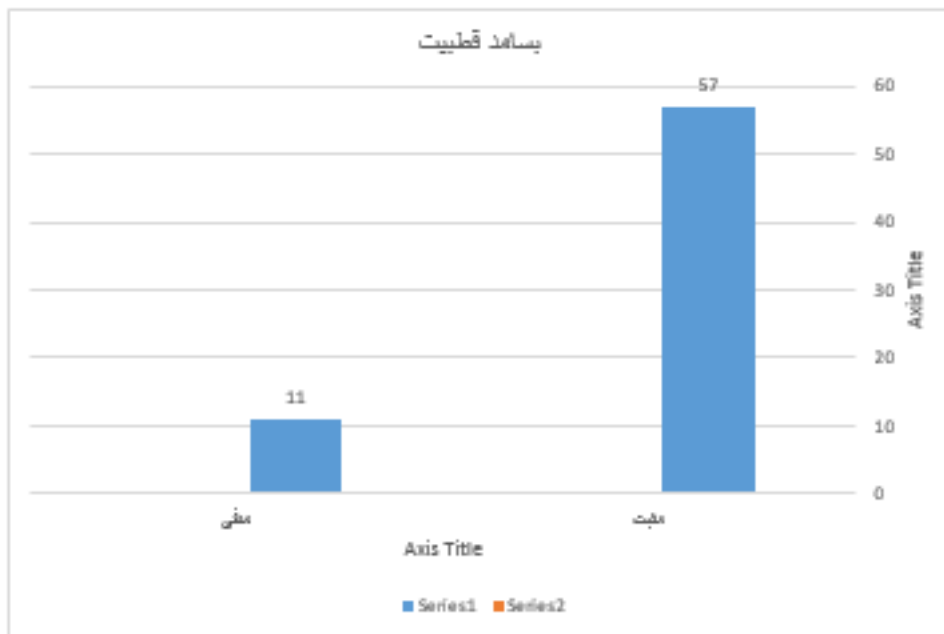
نمودار ۱. نمودار ستونی بسماد انواع وجه در سوره القیامت



نمودار ۳. نمودار ستونی بسماد انواع قطبیت در سوره قیامت

جدول ۲. جدول بسامد و درصد کلی قطبیت بندها در سوره قیامت

ردیف	نوع قطبیت	بسامد قطبیت در تمام بندها	مجموع درصد بسامد قطبیت
۱	مثبت	۵۷	۸۳/۸۲
۲	منفی	۱۱	۱۶/۱۷
مجموع		۶۸	%۱۰۰



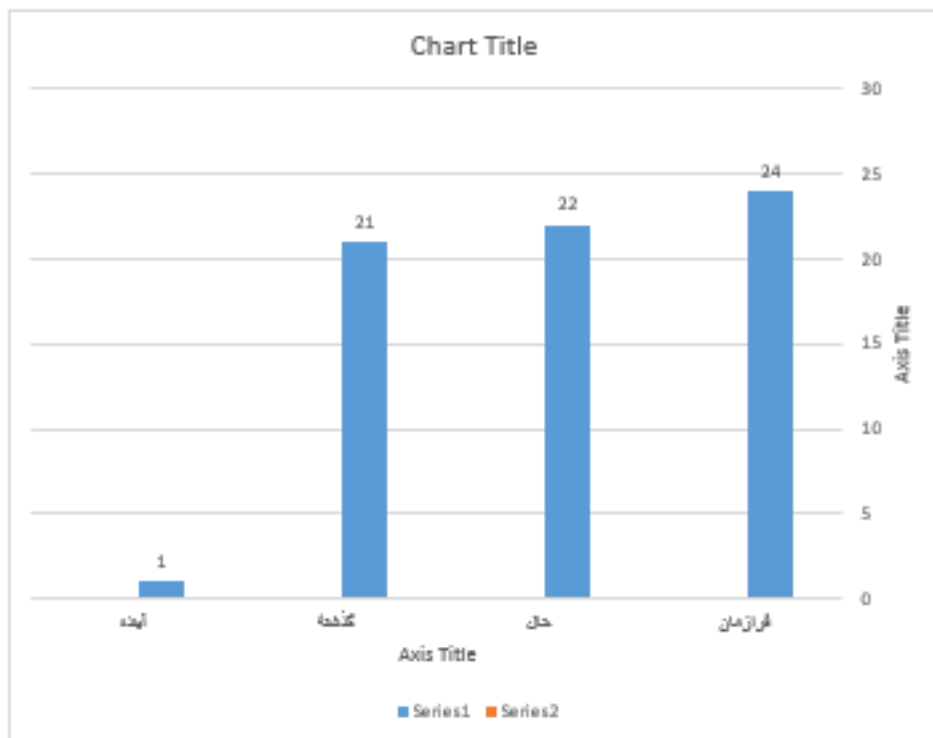
نمودار ۳. نمودار ستونی بسامد انواع قطبیت در سوره قیامت



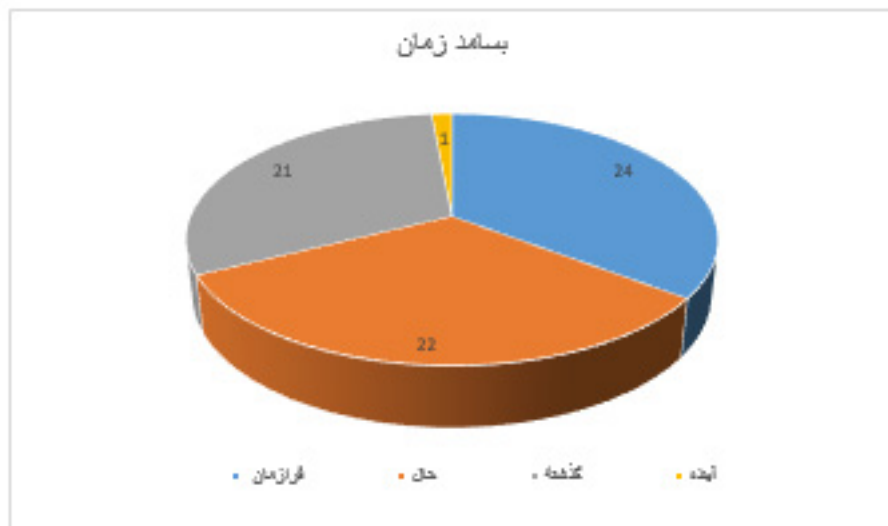
نمودار ۴. نمودار دایره ای بسامد انواع قطبیت در سوره قیامت

جدول ۳. جدول بسامد و درصد کلی زمان وقوع بندها در سوره قیامت

ردیف	نوع زمان	بسامد زمان در تمام بندها	درصد بسامد زمان
۱	حال	۲۲	۳۲/۳۵
۲	گذشته	۲۱	۳۰/۸۸
۳	آینده	۱	۱/۴۷
۴	فرا زمان	۲۴	۳۵/۲۹
مجموع		۶۸	٪۱۰۰



نمودار ۵. نمودار ستونی بسامد زمان وقوع بند ها در سوره قیامت



نمودار ۶. نمودار دایره ای بسامد زمان وقوع بند ها در سوره قیامت

۲-۱-۶- تفسیر و تبیین داده‌ها

بحث سوره قیامت در مورد دو واژه «بودن» و «رفتن» است. مطابق با گفتمان خداوند در سوره قیامت، «بودن» یعنی میل شدید داشتن به ماندن در این دنیا، حب داشتن به این دنیا، عشق ورزیدن به تجملات و خوش‌گذرانی‌های این دنیا، دائمی دانستن خوشی‌ها و لذایذ این دنیا و علاقه‌مندی به وابستگی‌های، بمانند: همسر، فرزندان، املاک، مقام، شهرت و ... اما در مقابل «رفتن» از نظر یک انسان، یعنی حرکتی موقتی از مکانی به مکانی دیگر و بجا گذاشتن این علاقه‌مندی‌ها و تعلق‌خاطر‌ها به صورت گذرا. در نگاه خداوند که نگاهی فراسوی نگاه بشر می‌باشد، «ماندن» در این دنیا، موقتی و گذرا است در حالیکه «رفتن» می‌تواند حرکتی موقتی در این دنیا در یک دوره خاص در طول زندگی بشر باشد اما در بینش خداوند واژه‌ی «رفتن» یعنی «کوچ کردن»، «مهاجرت کردن» و «دل بردن» از این دنیا سکنی‌گزیدن در دنیایی دیگر است که این عملاً دائمی و همیشگی است. اوست که می‌داند که سعادت و خوشبختی بشر در همین «رفتن» است. اما کافران و نادان‌ها بواسطه عدم درک از هدف از آفرینش انسان و وجود مبارک پیامبران و کتب مقدس و در نهایت وجود و یگانگی خداوند کریم، «ماندن» را بر «رفتن» ترجیح می‌دهند و دنیای دیگر را پوچ و خیالی می‌دانند. چه اینکه بعد از رفتن اجباری از سوی خداوند رحمان، آن‌ها بخود می‌آیند و راه عذرخواهی پیشه می‌کنند اما چه سود که وقت توبه گذشته است و باید پاسخ‌گوی اعمال خویششان باشند. در سوره قیامت تمام تلاش خداوند بر تبیین همین رفتن و چگونگی آن است.

همه داده‌ها و آمار که در جدول‌های فوق آمده‌اند، داده‌های خامی هستند که در پی تلاش و کوشش نگارنده بدست آمده‌اند. این داده‌ها می‌توانند مسیر هدف و اهداف خداوند متعال را در رشد و تعالی بشریت و تا رسیدن به این اهداف را روشن سازد. در ادامه نگارنده سعی خواهد کرد ضمن بررسی و تحلیل داده‌های فوق، اهداف خداوند متعال را برای جویندگاه طریقت از طریق بررسی‌های ساختاری از نظر فرانقش بینافردی بازنمایی و روشن سازد.

۲-۱-۷- تفسیر و تبیین داده‌های بسامد وجه

مطابق با فرا نقش بینا فردی از نظریه نقش‌گرای هالیدی یک گفتگو و تعامل بر پایه دادن و گرفتن اطلاعات استوار است. در فرا نقش بینافردی دو عامل از تاثیر بسزایی برخوردار است. یکی عوامل زبانی، دوم عوامل غیر زبانی. عوامل غیر زبانی عواملی مانند فرهنگ، تمدن، جامعه، ثروت، روابط اجتماعی و ... که از اهمیت خاصی برخوردار هستند. در این فرانقش، گوینده از زبان بعنوان وسیله‌ای برای گفت کلام‌ها، دیدگاه‌ها، نظرات، سنجش

ها و همچنین ابراز روابطی می‌پردازد که بین خود و شنونده بر اساس نیاز های گفتاری و درخواست ها و تمایل هر دوطرف بر صحبت در موضوعی خاص پایه‌گذاری می‌کند. پس می‌توان گفت دلیل درصد حداکثری استفاده از وجه خبری از سوی خداوند اطلاع رسانی است. از آنجا که در فرانشش بینا فردی شخص گوینده خبر بنظر مطلع است و شنونده آن از نظر گوینده نامطلع است. پس شخص مطلع بر خود می‌داند که شنونده خود را از گمراهی و نادانی برهاند. بدرستی این همان نقشی است که خداوند کریم در استفاده از بند خبری می‌خواهد نقش مطلع را داشته باشد و در این میان شنونده که همان بشر و انسان ها هستند نقش نامطلع را دارند که از هیچ چیزی خبر ندارند.

مطالعات زبان شناسی نگاه جدیدی بر علم دستور زبان انداخته که نشانگر آن است که هنوز مباحث متعددی در زمینه های گوناگون دستوری وجود دارد. یکی از این مباحث، وجه فعل است که در تعریف و انواع آن اختلاف نظر دارد. به طور کلی وجود نظر و نگاه دستوریان به وجه فعل را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

دسته اول: گروهی که با دید ساختاری، وجه را جنبه ای از فعل به شمار آورده و به کاربرد فعل در جمله توجهی نکرده اند.

دسته دوم: گروهی که وجه را گمان گوینده درباره‌ی عمل فعل از نظر قطعی بودن یا نبودن و یا امری بودن آن در نظر

گرفته اند و به طور ضمنی به کاربرد فعل نیز توجه کرده اند.

زبان شناسان نظر گروه دوم را برای وجهیت (وجه از نظر معنایی) به کار گرفته اند و بین وجه دستوری و معنایی تفاوت می‌گذارند. اما تعریفی از وجه دستوری ارائه نداده اند؛ از این رو اختلاف دیگر؛ ساختاری یا معنایی بودن وجه است. با جمع بندی نظرات دستورنویسان و زبانشناسان و با نگاه به گفتمان‌های زبانی می‌توان چنین برآورد کرد که فعل خارج از جمله با ساخت های مختلفی مانند: خبری، مصدری (غیر شخصی) و وصفی امری، التزامی، نامگذاری شده وجود دارد. اما وقتی بپذیریم که وجه، نظر گوینده در مورد گزاره است و مقوله ای معنایی است که قطعیت، وابستگی، امکان یا ضرورت گزاره را مطرح می‌سازد؛ چون این قطعیت و احتمال، در جمله نمود می‌یابد می‌توان نتیجه گرفت که وجه در جمله به سه صورت مطرح می‌شود: خبری، التزامی و امری. و گوینده برای بیان مقصود خویش می‌تواند از عوامل وجه ساز متعددی کمک بگیرد که فعل یکی از آن ها است. در این سوره که خداوند بعنوان گوینده و راوی حقیقی با انسان (بالاخص کافران)، پیامبر (ص) صحبت می‌کند بیشترین کاربرد از وجوه را، به وجه خبری اختصاص داده است. زیرا وجه خبری در میان وجوه دیگر بمانند التزامی و امری دارای بیشترین قطعیت است که خداوند برای

بیان نظر و اهداف خویش از این وجه به سبب اهمیت موضوع که همانا اطلاع رسانی در باب اطلاع از وجود قیامت و مجازات کافران در آن «دنیا» است استفاده وافر نموده است. در حالیکه در سایر وجوه، وقوع فعل قطعی نبوده و هنوز با رخ دادن فاصله دارد. بنابر این وجه خبری به دلیل ویژگی‌های «تاثیر پذیری» و «قاطعیت بر عمل» نسبت به وجوه دیگر به لحاظ معنایی با نمونه اعلای خود نزدیک تر است (شریفی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۳۲). چنانکه وقوع پذیری و قطعیت کلام در گفتگوی بین خداوند با انسان در این سوره کاملاً مشخص و هویدا است، زیرا هر دو طرف با استفاده از وجه خبری بر وقوع پذیری و قطعیت کلام تاکید دارند و خواسته، این قطعیت کلام را می‌دانند.

۲- ۱- ۸- تفسیر و تبیین داده‌های بسامد زمان

در بحث زمان مورد استفاده در سوره قیامت و همچنین تفسیر و تبیین داده‌های قرآنی در این زمینه، برای مفسر و عالم به قرآن و گاهی اوقات خواننده‌ی قرآن سئوالاتی در ذهن متبادر می‌گردد که خود جای بحث فراوان وجود دارد. اما قبل از آن گفتنی است که دستوریان زبان عربی تقسیم بندی زبانی افعال را بمانند زبان فارسی بخوبی مشخص نکرده اند. در زبان فارسی گونه‌های زمانی به ترتیب زمان گذشته، حال و آینده است در حالیکه در زبان عربی این تقسیم بندی بر پایه گذشته، حال، امر، نهی و ... استوار است. از نظر بسامد زمان، زمان فرازمان با ۲۴ بند بیشترین بسامد را دارد. و زمان حال با ۲۲ بند و زمان گذشته با ۲۱ بند و آینده با تنها ۱ بند به ترتیب در جایگاه دوم تا چهارم قرار گرفته اند. با توجه به همین تعدد بند فرازمان نگارنده قصد دارد در مورد چرایی و اهمیت و نوع کاربرد آن در قرآن کریم نکاتی را به توضیح بنگارد. در مورد بندهای فرازمان که همان بندهای اسمیه است صحبت شده است. اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که جملات اسمیه در زبان‌های عربی و فارسی الزاماً با یکدیگر مطابقت ندارند؛ زیرا در عربی به جمله‌ای اسمیه اطلاق می‌گردد که با اسم آغاز شده باشد؛ هر چند در گزاره آن فعل تام آمده باشد. بر این اساس، در زبان عربی به سادگی می‌توان جملات اسمیه را از فعلیه تفکیک کرد. این بندها از دویخش اصلی مبتدا و خبر تشکیل شده است. البته مفهوم سخن این نیست که در این نوع از جملات نقش‌های دیگری وجود ندارد، بلکه در یک بند اسمیه هم می‌تواند مضاف الیه یا مجرور به حرف جر یا صفت و... وجود داشته باشد. بر همین اساس، مبتدا، در بسیاری از موارد، اسم ظاهر است؛ یعنی ضمیر نیست؛ مانند: «عَلَى تَلْمِیْذٍ؛ علی دانش آموز است.» که در این صورت مضاف یا موصوف است؛ مانند: «کِتَابُ عَلِیٍّ جَیْدٌ؛ کتاب علی خوب است.» و «الکِتَابُ الجَیْدُ لَاعْلِیٍّ؛ آن کتاب خوب از علی است.» همچنین مبتدا گاه ضمیر است؛ مانند:

«هُوَ تَلْمِیْذٌ؛ او دانش‌آموز است.»

مبتدا در فرانقش بینا فردی در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد و بخش خبر در بخش محمول قرار می‌گیرد. بندهای اسمیه بر خلاف بند های فعلیه با اسم شروع می‌گردند. خبر به اسم یا فعلی که بعد از مبتدا می‌آید و توضیحی درباره مبتدا می‌دهد می‌گویند. و قتی می‌گوییم «الله قادر» الله مبتدا است و قادر خبر است. در این حالت هر دو واژه اسم هستند. اما ممکن است واژه دوم بعد از اسم فعل باشد، در این صورت آن فعل می‌تواند خبر هم باشد. مانند بند «الله یقول» که «الله» مبتدا است و «یقول» خبر است. البته «الله» نمی‌تواند فاعل «یقول» باشد و فاعل «یقول» ضمیر مستتر «هو» است. در زبان عربی خبر به سه صورت می‌آید. آن می‌تواند مفرد باشد. منظور از مفرد، اسم بودن خبر است. می‌تواند فعل باشد و همچنین می‌تواند شبه جمله باشد یعنی متشکل از حرف جر و مجرور باشد. مانند «النجاه فی النسیان» که (فی النسیان) خبر است. این جمله‌ها در زبان عربی فاقد فعل می‌باشند بطور کل این جمله‌ها برای این قرار داده شده‌اند که چیزی را برای چیز دیگر بدون در نظر گرفتن امکان وقوع آن بیان کنند. اما عده‌ای دیگر اعتقاد دارند که زمان در این جملات با قرینه لفظی یا معنوی درک می‌گردد و می‌تواند بر هر سه زمان دلالت کند. در تحلیل این جملات باید این مطلب را در ذهن داشت که جمله اسمیه در اصل وضع خود دلالت بر ثبوت و استمرار نمی‌کند مگر زمانی که خبرش اسم باشد. ولی اگر خبرش فعل باشد معنای تجدد و حدوث را می‌رساند (خورسندی و مسجد سرای، ۱۳۸۴: ۶۵).

خداوند برای بیان علت و وقوع چیزی از طرق مختلف تلاش می‌کند که چگونگی آن را توضیح دهد. برای توضیح دادن ممکن است از فرمت‌های مختلفی به مانند استفاده از حروفی مانند حروف مشبه بالفعل، نشانه‌های تاکید، بند های اسمیه و ... استفاده کند. به عنوان مثال خداوند برای اینکه وقوع فعلی را در بند های ماقبل توضیح دهد و یا دلایل وجود آن را تشریح کند برای اینکه خواننده قرآن به درک درست و روشنی از چرایی وقوع آن را داشته باشد، با آوردن بند اسمیه سعی در تفهیم هدف از آن را می‌کند. برای نمونه در آیه ۳۴ «أُولَیْ لَكَ فَأُولَی» همین سوره که دو بند فرازمان است، خداوند در راستای تفهیم و تاکید بیشتر بر وقوع فعل ایمان نیامدن و نماز نخواندن در آیه ۳۱ (فَلَا صَدَقَ وَ لَا صَلَّى) (در آن روز گفته می‌شود: او هرگز ایمان نیامد و نماز نخواند.) و تکذیب کردن و و رویگردان شدن در آیه ۳۲ (وَ لَیْكَ كَذَبٌ وَ تَوَلَّى) (۳۲) «بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد،» و بازگشتن و قدم متکبرانه برداشتن در آیه ۳۳ (ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى) (۳۳) «سپس بسوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم برمی‌داشت!» به عذاب الهی برای این گروه با آوردن بند فرازمان تاکید دوباره‌ای بر شایستگی عذاب الهی برای این گروه

می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی دیگر از اهداف خداوند در استفاده حداکثری از بند فرازمان در این سوره، نشان دادن اهمیت موضوع با تاکید بر عاقبت کار و بازخوردها و علت آن است. پس بندهای فرازمان معلول بند ماقوع خود می‌باشند. از جمله این سئوالات قرآنی می‌توان به سئوال چرا زمان گذشته و حال در این سوره‌ی قرآن از تقریباً از اندازه مساوی برخوردار هستند؟ اشاره کرد که در پی بدنبال جواب سوال هستیم :

این سوره همان گونه که از نامش هویداست، آیات آن بر محور موضوعات مربوط به معاد و روز قیامت می‌چرخد، بجز چند آیه که درباره «قرآن مجید» و مکذبین آن سخن می‌گوید. مهمترین موضوعاتی که در این سوره در ارتباط با قیامت آمده است. عبارتند از:

- بروز حوادث شگفت آور که در انتهای این دنیا و شروع قیامت اتفاق می‌افتد مانند خاموش شدن ماه و از بین رفتن این جهان.
- وضعیت مومنان و کافران در روز قیامت.
- موضوعات مربوط به لحظات وحشتناک مردن و کوچ کردن از این جهان به جهان دیگر.

- موضوعات مربوط به هدف آفرینش انسان و ارتباط آن با موضوع معاد.

در این سوره همترازی زمان حال با زمان گذشته در تعدد بند تقریباً از نظر تعداد آیه در هردو زمان نیز یکسان است. آغاز این سوره با بندهای زمان حال شروع می‌گردد و بعد از آن تعدد بندهای گذشته آمده و این سلسله مراتب به ترتیب در آیات زمان حال و گذشته مشهود است. آنچه که ملموس و متقن است نوع پیوستگی موضوعات آیات در زمان گذشته و حال است که خود گواه بر تاکید خداوند باریتعالی بر وقوع عمل در گذشته و در زمان حال است. لذا بنظر می‌رسد وقوع عمل برای خداوند چه در زمان گذشته و حال از اهمیت یکسانی برخوردار است. بنظر برای خداوند متعال هدف بر درجه عمل در زمان ها از اهمیت اولی برخوردار است که همانا آن هدف می‌تواند فلاح و رستگاری بشر باشد.

۲-۱-۹- تفسیر و تبیین داده های بسامد قطبیت

طبق جدول فراوانی قطبیت و تبیین فوق الذکر، درصد استفاده از بندهای مثبت به مراتب نسبت به بندهای منفی بیشتر است به گونه ای که بنظر قابل قیاس نیستند. بنابر تعاریف قطبیت، خداوند یکی از بیشترین اثبات را در این سوره‌ی قرآن داشته است. بطوری که تعداد نفی در بند با کمترین مواجه است. بحث اثبات و نفی در قطبیت یکی از ویژگی‌های تصریفی فعل است که الگوی نشان داری مطابق با نظریه گرینبرگ آمده است. نتایج این پژوهش با مفهوم نشاننداری گرینبرگ در معیار بسامد کاربرد کرافت کاملاً همراه

است. لذا بر اساس معیار بسامد کاربرد کرافت، بند‌های مثبت به دلیل بسامد زیاد، بی‌نشان و بند‌های منفی به دلیل بسامد پایین، نشان‌دار هستند.

۳- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نگارنده به تحلیل سوره قیامت بر اساس فرانش بینافردی از دستور نقش‌گرای هلیدی به بررسی ساخت وجهی، زمانداری و قطبیت پرداخته‌است و سعی کرده به تبیین مطابقت این فرانش با گفتمان خداوند در گفتگوهای مورد نظر در این سوره بپردازد. نتایج این بحث در ذیل قابل بیان است.

۱) از نظر وجه‌نمایی، وجه خبری با بیشترین بسامد نسبت به سایر وجوه با ۷۹/۴۱ درصد، نشان‌دهنده این است که آیات این سوره، به صورت گزارشی است و خداوند به صورت مستقیم با پیامبر و انسان‌ها و صحبت کرده است. این گفتگوها به خوبی از ارائه اطلاعات که هدف اصلی فرانش بینافردی است استفاده کرده است و در این میان نوع برقراری ارتباط در این آیات که ارتباطی نزدیک و تاثیرگذار بین گوینده و شنونده است به خوبی نمایان است.

۲) از نظر زمانداری، زمان فرازمان با بیشترین درصد ۳۵/۲۵ نسبت به سایر زمان‌ها، نشان‌دهنده‌ی تعلیم و تادیب انسان افسارگسیخته و نافرمان با توجه به استفاده تاکید گونه از این بند‌ها که به نظر با توجه به جنبه چند بعدی بودن انسان می‌تواند راهکاری درست برای بازآوری انسان به سوی صراط‌المستقیم باشد.

۳) از نظر قطبیت، قطبیت مثبت با درصد ۸۳/۸۲ اکثریت را به خود اختصاص داده است. این خود نشان‌دهنده حس خوشبینی و شناخت فوق‌العاده خداوند متعال نسبت به بندگانش است.

۴) فاعل در این سوره به صورت متکلم بوده و خداوند به عنوان راوی یا خود، گوینده و پیش‌برنده گفتگوها بوده یا اینکه سعی کرده از زبان پیامبر و فرشتگان مسیر درست و حقیقی را برای انسان‌ها تبیین کند.

منابع

- ۱- اوسط ابراهیمی، علی. (۱۳۷۹). *علوم بلاغت در نهج البلاغه*، تهران: نشر فرهنگ.
- ۲- خورسندی، محمود و مسجدسرای، حمید. (۱۳۸۴)، *جواهر البلاغه*، قم: نشر حقوق اسلامی.
- ۳- رضا خانی، فرشته. (۱۳۸۵)، *بررسی مجموعه فارسی بیاموزیم (آموزش زبان*

فارسی) از منظر فرانقش بینا فردی هلیدی بر اساس چار چوب نظری دستور نظام مند نقش گرای هلیدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۴- شاهرخ شهرکی، محمد. (۱۳۸۵)، *بررسی شعر کودکان از منظر زبان شناسی نقش گرای هلیدی*. رساله دکتری زبان شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی تهران.

۵- شریفی مقدم، مرضیه. (۱۳۸۵). *بررسی شعر کودکان از منظر زبان شناسی نقش گرای هلیدی*. رساله دکتری زبان شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی تهران.

۶- نبوی، محمد و مهاجر، مهران. (۱۳۹۳). *بسوی زبان شناسی شعر*، تهران: نشر آگه، چاپ بیست سوم.

7-Achugar M. & Colombi C. (2008). **Systemic functional Llinguistic exploration into the longitude Study of the advanced capacities**. In the longitude study of the advanced second language capacities, Lourds Ortega and Heidi Bymes(eds). New York: Routledge.

8-Aronof M. & Miller JR. (2000). **The Handbook of inguistics**, London: Blackwell.

9-Butt D. (2002). **Using Functional Grammar: An Explorer's** Gu Yung, Routlege, Third edition, ide, Sydney: Macquarie University.

10-Colombi C. (2009), **A Systemic Functional Approach to Teaching Spanish for Heritage Speakers in the United States**. Linguistics and Education, 20(6): 43_59.

11-Kress GR. (1978). Haliday: System and function in language, London: Oxford.

12-Ning G. (2008). **Systemic Functional Grammar and its Pedagogical Implication**. Sino-US English Teaching, 5(10): 16_33.